

ادبیات عامیانه جبرفت

(به همراه تذکره شعرا و مؤلفان حوزه هلیل رود)

www.ketab.ir
دکتر مسلم خلیلی



سرشناسه: مظفری، مسلم، ۱۳۶۳-، گردآورنده
 عنوان و نام پدیدآور: ادبیات عامیانه جیرفت (به همراه تذکره شعرا و مؤلفان حوزه هلیل رود) / مسلم مظفری.
 مشخصات نشر: کرمان: مرکز کرمان شناسی؛ تهران: بنیاد ایران شناسی، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری: ۳۳۳ ص. : مصور.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۱۱-۳۵-۷
 موضوع: ادبیات عامه ایرانی -- جیرفت
 شناسه افزوده: مرکز کرمان شناسی
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ م ۶ ج ۹ / PIR ۸۷۳۷
 یادداشت: کتابنامه.
 رده‌بندی دیوبی: ۹/۷ فا ۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۵۹۳۵۵



بنیاد ایران شناسی



عنوان کتاب: ادبیات عامیانه جیرفت (به همراه تذکره شعرا و مؤلفان حوزه هلیل رود)

مؤلف: دکتر مسلم مظفری

ناشر: مرکز کرمان شناسی با همکاری بنیاد ایران شناسی

مدیر مسئول: سیدمحمدعلی گلایزاده

تنظیم و صفحه‌آرایی: لیلا گهرگزی

طرح روی جلد: مهسا مهربانپناه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۱۱-۳۵-۷

شماره انتشار: سیصد و بیست و نه (۳۲۹)

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰

قیمت: ۶۳۰۰۰۰ ریال

چاپ و صحافی: چاپ هنگام

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حق چاپ برای ناشر و مؤلف محفوظ است

آدرس: کرمان - خیابان ابن سینا - مرکز کرمان شناسی ۴-۱۴۱-۲۲۶۹۵۸۱-۳۴

فهرست مطالب:

۱۲	الفبای آوانگاری.....
۱۳	مقدمه ناشر.....
۱۷	پیشگفتار.....
۲۱	مقدمه.....
۲۵	بخش اول: کلیات.....
۲۷	فصل اول: شهرستان جیرفت و موقعیت جغرافیایی و تاریخی آن.....
۳۴	فصل دوم: تنوع اقلیمی.....
۳۴	۱- وضعیت کشاورزی.....
۳۵	۲- پوشش گیاهی.....
۳۶	۳- وضعیت دامپروری.....
۳۷	۴- پرندگان و وحوش.....
۳۸	۵- تنوع لهجه‌ها.....
۳۹	بخش دوم: ادبیات عامیانه Folkolor.....
۴۱	ادبیات عامیانه Folkolor.....
۴۳	فصل اول: اسطوره.....
۴۴	الف- اساطیر و عقاید پیش از آریایی‌ها در ایران.....
۴۵	ب- ریشه‌های اساطیر آریایی.....
۴۷	ج- اسطوره‌های آفرینش و پایان جهان.....
۴۹	د- باورهای اساطیری.....
۵۱	فصل دوم: خاصیت توجیهی اسطوره‌ها (در جیرفت).....

بخش سوم: قصّه‌ها و افسانه‌های عامیانه	۵۵
قصّه‌ها و افسانه‌های عامیانه (Folk tales kinds)	۵۷
فصل اول: انواع قصّه‌های عامیانه (در جیرفت)	۵۹
ویژگی‌های داستان‌های عامیانه	۶۰
فصل دوم: داستان‌های مافوق طبیعی	۶۲
۱- افسانه عاشقانه صدو و کیا (معروف به کنار صندل)	۶۵
وجه تسمیه کنار صندل	۶۵
۲- داستان پیرمرد و ازدهای کنار صندل	۷۴
۳- قصه حسنی و دیو	۷۵
۴- دختر درونج و پسر شاه	۷۹
۵- قصه پیرزن و دیو	۸۰
۶- دختری که ازدها بود	۸۱
۷- داستان دختر شاه پریان	۸۳
۸- داستان فلک تو سر زده	۹۴
۹- داستان شش برادر و خواهر درونج	۱۰۲
بخش چهارم: ادبیات شفاهی	۱۰۷
فصل اول: ضرب المثل	۱۰۹
فصل دوم: انواع ضرب المثل‌های محلی	۱۱۳
الف - ضرب المثل نوع اول	۱۱۴
حرف (الف)	۱۱۵
حرف (ب)	۱۱۷
حرف (پ)	۱۱۸
حرف (ت)	۱۱۹
حرف (ج)	۱۲۰

۱۲۰.....	حرف (چ)
۱۲۱.....	حرف (ح)
۱۲۱.....	حرف (خ)
۱۲۲.....	حرف (د)
۱۲۴.....	حرف (ر)
۱۲۵.....	حرف (ز)
۱۲۵.....	حرف (س)
۱۲۷.....	حرف (ش)
۱۲۹.....	حرف (ص)
۱۳۰.....	حرف (ط)
۱۳۰.....	حرف (ع)
۱۳۱.....	حرف (ف)
۱۳۲.....	حرف (ق)
۱۳۴.....	حرف (ک)
۱۳۸.....	حرف (گ)
۱۳۹.....	حرف (م)
۱۴۳.....	حرف (ن)
۱۴۴.....	حرف (و)
۱۴۴.....	حرف (هـ)
۱۴۶.....	حرف (ی)
۱۴۷.....	ب- ضرب المثل نوع دوم
۱۴۸.....	حرف (الف)
۱۵۲.....	حرف (ب)
۱۵۵.....	حرف (ت)
۱۵۵.....	حرف (ج)

حرف (خ)		۱۵۶
حرف (چ)		۱۵۶
حرف (د)		۱۵۸
حرف (س)		۱۵۸
حرف (ش)		۱۵۹
حرف (ص)		۱۶۱
حرف (ع)		۱۶۱
حرف (ف)		۱۶۲
حرف (ک)		۱۶۳
حرف (گ)		۱۶۵
حرف (ل)		۱۶۷
حرف (م)		۱۶۷
حرف (ن)		۱۷۲
حرف (و)		۱۷۴
حرف (هـ)		۱۷۵
حرف (ی)		۱۷۶
بخش پنجم: باورها و عقاید		۱۷۹
فصل اول: باورهای عامیانه به طور کلی		۱۸۱
فصل دوم: بررسی و تأثیر ادبیات باستان خصوصا آداب زردشت بر روی مردم		۱۸۹
۱- آداب کفن و دفن زردشتیان و آثار آنان در گورستان‌های قدیمی		۱۸۹
۲- عید نوروز		۱۹۰
۳- جشن سده		۱۹۰
فصل سوم: موجودات خیالی و موهوم در باورهای مردم جیرفت		۱۹۲
جن		۱۹۲
پری		۱۹۳

مقدمه ناشر

در جمع «از یاد رفته‌ها»ی سده کنونی، یکی هم فرهنگ عامه است که با کمال تأسف و به رغم آن همه ارزش و اعتبار فرهنگی و اجتماعی، آن را با خرمهره‌های بی‌بهای سودا کردیم که جز گرفتاری و دشواری، چیزی برایمان دربرداشتند. به راستی زمزمه‌آبشار گونه لالایی مادران به هنگام خواب کردن فرزندان کجا رفت؟ مراسم زیبا و سنت‌هایی که دل‌ها را به هم پیوند می‌زد، چه شد؟ قصه‌ها و داستان‌هایی که از لابلای آنها، ده‌ها نکته پند آموز جاری و ساری می‌شد، چه سرنوشتی پیدا کردند؟ و مهم‌تر از همه اینکه با فراموش کردن این ارزش‌ها، چه چیز جایگزین کردیم و بهره و نصیب آنها برای ما چه بود؟

گویی دیوید لاکهارت لوریمر، کنسول انگلیس یا بهتر بگوییم جاسوس دولت فخیمه، که مدتی در کرمان سکونت داشت، به خوبی می‌دانست دیر یا زود فرهنگ عامه این دیار به فراموشی سپرده می‌شود و چنین بود که برای برجای ماندن نام و یاد خود، به جمع‌آوری فرهنگ عامه کرمانی‌ها پرداخت و همانگونه که فکر می‌کرد، امروز نام او به عنوان غریبه‌ای آشنا در تاریخ فرهنگ کرمان زمین می‌درخشد.

باری، فرهنگ عامه یا همان Folklore که بر اساس ترجمه واژه‌ها، می‌توان از آن به عنوان «دانش توده‌ها» یاد کرد، مجموعه‌ای از آداب، رسوم، عقاید، قصه‌ها، افسانه‌ها، ترانه‌ها، زبانزدها و ... است که رد پای یک ملت، درگذر روزگاران را نشان می‌دهد. این بخش از زندگی جامعه، آن قدر برای مردمش

جاذبه داشت که هرگز دل از آن نبریدند، کما اینکه می‌بینیم با همه حکومت طولانی ترکان سلاجقه و منچوری تباران قراختایی و اصرار بر القاء فرهنگ خود به مردم کرمان، اما نیاکان ما نه تنها فرهنگ و ارزش فرهنگی به ویژه فولکلور خود را از دست ندادند، بلکه آن را به اقوام یاد شده تحمیل کردند، تا آنجا که به قول شادروان استاد باستانی پاریزی حاکمان سلجوقی و قراختایی چنان به لهجه کرمانی سخن می‌گفتند که از هر محله شهری، محله شهری‌تر، با این توضیح که مردم این محله، لهجه کرمانی بسیار غلیظی دارند.

بعدها نیز که این دیار پایگاه هندوها و غربی‌ها، دست اندرکاران کمپانی هند شرقی و بانک شاهنشاهی و ده‌ها و صدها نماد و نشان بیگانه شدند، با این حال فرهنگ سنتی خود را از دست ندادند و بر آن پای فشردند و این امانت را به ما واگذاشتند تا به عنوان نسلی ناسپاس همه آنها را به تیغه ماشین‌های گوناگون وارداتی بسپاریم و مراسم ترحیمشان را نیز برگزار کنیم. بنابراین از یاد نبریم که نسل کنونی در پیشگاه تاریخ مسئول خواهد بود، و سرافراز و سربلند، کسانی که عمر خود را صرف جمع‌آوری و پژوهش در فرهنگ عامه سرزمین خود می‌کنند و در واپسین دم به کمک آن می‌شتابند تا هم، از مرگ این ارزش تاریخی جلوگیری کنند و هم نام بزرگ خود را بر پیشانی سرزمین خویش رقم بزنند.

فرهنگ عامه، همواره از عمق جان و ژرفای باورهای یک جامعه مایه می‌گیرد و نشانه‌ای از صداقت و صفا و سادگی آنهاست، بر این اساس اگر «دیوید لاکهارت لوریمر» های بیگانه، در کنار انجام وظیفه سیاسی خود، دست به کار تهیه و تدوین فرهنگ عامه آن سرزمین می‌شوند، به همین دلیل است که تا از عمق وجود یک جامعه آگاهی نداشته باشند و فرهنگ و آداب و رسوم مردم محل

مأموریت خود را نشاناسند، نمی‌توانند به هدف‌های تعیین شده، جامعه عمل ببوشند آنها می‌دانند که برای گرفتار نیامدن در بحران هویت باید همین رهگذر را بیمایند و چنین است که وقتی آلمان‌ها در برابر انگلیس‌ها کم می‌آورند و شیاطین انگلیسی، همه موفقیت‌های آنان را بر باد می‌دهند، ناگهان نماینده آلمان به فکر برگزاری مراسم روضه خوانی می‌افتد و سفیر این کشور اعلام می‌کند که «ویلهللم اول» مسلمان شده، و مردم خوشحال کرمان شایع می‌کنند که ویلهللم، نه تنها مسلمان شده، بلکه به مکه هم رفته و از آن پس او را «حاجی ویلهللم» می‌نامند و به این ترتیب، ضربه محکمی به انگلیس‌ها وارد می‌کنند.

بهر روی، فرهنگ عامه، تجسم عینی روحیه و منش یک جامعه است و از اعتباری برخوردار می‌باشد که قدر و بهایی برایش سراغ نداریم. اگرچه جامعه ما، عملاً از هزاران سال پیش وارد این مقوله شده و مجموعه‌های گوناگون لایبی‌ها، ضرب‌المثل‌ها، قصه‌ها، دو بیتی‌ها و ... نشانی از این واقعیت به شمار می‌رود، با این همه، ما نتوانستیم همراه و همپای کشورهای غربی، به صورت کلاسیک به حفظ و نگهداری و اشاعه و گسترش پردازیم، همینجا باید از شادروان «رشید یاسمی» دانشی مرد اوائل حکومت پهلوی اول یاد کرد که برای نخستین مرتبه در سال ۱۳۱۵ در یک سخنرانی، دانشگاهیان را به سمت و سوی این بخش از فرهنگ رهنمون شد و ایران‌شناسان را به پهنه فرهنگ عامه یا فرهنگ همگانی فرا خواند.

بدیهی است کهن سرزمینی چون جیرفت که ریشه در ژرفای تاریخ دارد و از فرهنگی پربار و غنی برخوردار است، فرهنگ عامیانه‌اش نیز دارای گفتنی‌ها و حرف و حدیث‌های بسیار باشد، چگونه ممکن است مردمی که بر اساس شواهد

اظهر من الشمس در هزاره‌های پیش از میلاد، پرچمدار تمدن بشریت و واضع خط در جهان بوده‌اند در زمینه فرهنگ، به ویژه فرهنگ عامه - که بیانی از خوی و خصلت هر سرزمین است - از دیگران واپس مانده باشند؟ بی‌گمان جیرفت در این زمینه نیز پیشگام بوده، اما از آنجا که گویش و لهجه مردم این دیار، با گویش غالب استان کرمان، تفاوت دارد و در گذشته نیز کمتر کسی به این بخش از تاریخ فرهنگی جیرفت پرداخته است لذا این امر مهم به بوت‌ه فراموشی سپرده شده و جلوه‌های چندانی را شاهد نیستیم و چنین است که تلاش بی‌امان و شبانه‌روزی پژوهشگر عزیز و کوشای این منطقه «مسلم مظفری» را سپاس می‌گوییم و بر خود می‌بالیم که با گام‌هایی هر چند اندک، این فرهیخته جیرفتی را همراهی کرده‌ایم. و نیز از همه کسانی که او را در رسیدن به این کامیابی، کمک رساندند، از بن جان سپاسگزار می‌کنیم و دست آنها را به گرمی می‌فشاریم، باشد تا اقدام‌هایی از این چنین، زمینه دلگرمی عزیزان دیگری را فراهم کرده و هر روز بر غنای این بخش از فرهنگ بومی و محلی بیفزاییم.

سید محمدعلی گلابزاده

مدیر مرکز کرمان شناسی

پاییز ۱۴۰۰